

بررسی ابزار و سیاست‌های تامین مالی در نظام بانکی کشور جناب آقای دکتر جمشید پژویان

دانشیار دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی

تقاضا برای اعتبارات یا تمایل به قرض، یکی از سه روش عمده برای تامین مالی می‌باشد و عمدتاً با کاهش «ریسک» در سرمایه‌گذاری تمایل به قرض افزایش خواهد یافت و به عکس، با افزایش ریسک، افراد سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهند در ریسک خود شریک انتخاب نموده و به بازار بورس روی آورند.

منبع اصلی برای قرض، سیستم بانکهای تجاری است. عملکرد بانکهای تجاری باید بر اساس کسب حداکثر سود باشد تا بتواند به نیازهای سرمایه‌گذاری‌های با بازده بالاتر پاسخ دهد. وجود هزینه عملیاتی ریسک، و مراجعه سپرده‌گذاران برای تبدیل سپرده به نقدینه باعث می‌شود که نرخ بهره یا نرخ قرض یا قیمت تسهیلات برای وام‌گیرنده افزایش یابد.

حذف امکان پول آفرینی برای بانکهای تجاری، و همچنین معرفی ریسک برای سپرده‌گذاران باعث خواهد شد که سمت درآمد بانکهای تجاری کاهش یابد و در نتیجه، یا مقدار عرضه اعتبارات کاهش می‌پذیرد یا نرخ قرض رو به افزایش می‌گذارد.

برای سرمایه‌گذاری، قاعدتاً سه نوع منبع تشخیص داده می‌شود: سود توزیع نشده، فروش سهام جدید، و وام یا قرض. «میلر» و «مادلیانی» نشان داده‌اند که در شرایط عدم ریسک، و تفاوت در نرخ مالیات، استفاده از هر یک از این منابع اختلافی در وضعیت مالی بنگاه به وجود نخواهد آورد. چنانچه توجه به استفاده از دو منبع وام، و فروش سهام بیشتر معطوف شود، استفاده از هر یک از این دو منبع می‌تواند در شرایط خاصی مناسبتر باشد.

در صورت وجود ریسک و بخصوص ریسک زیاد در سرمایه‌گذاری، فروش سهام می‌تواند مناسبتر جلوه نماید، زیرا از این طریق، هرچند بازده انتظاری تقسیم می‌شود، لکن توزیع ریسک نیز امکان‌پذیر خواهد بود اما اگر ریسک وجود نداشته و یا درجه ریسک خیلی پائین باشد، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد که تا حد امکان از طریق سود توزیع نشده و یا وام و قرض نیاز خود را در جهت توسعه بنگاه یا سرمایه‌گذاری اولیه رفع نماید.

به هر حال، بنابر دلایلی، به علت عدم وجود بازار بورس متشکل در گذشته و جوان بودن بازار بورس کنونی و در نتیجه عدم بازده مناسب سرمایه‌گذاری تولیدی و خدماتی (بدون در نظر گرفتن ریسک مالکیت)، هنوز بخش عمده منبع سرمایه‌گذاری از طریق قرض و سیستم بانکی صورت می‌گیرد تا بازار بورس، حتی در کشورهایی که بازار بورس متشکل و گسترده‌ای وجود دارد، نقش سیستم بانکی در جهت تامین منابع سرمایه‌گذاری بسیار اهمیت دارد.

تابع هدف و عملکرد بانکها - بانکها به عنوان تولیدکننده اعتبارات، مشابه بنگاه‌های اقتصادی عمل می‌کنند. آنها نیز به دنبال کسب حداکثر سود، مقدار نهاده‌ها و ستاده‌های خود را تعیین می‌نمایند. نهاده بانک، سپرده مردم، و بخشی نیز سرمایه اولیه بانک است. ستاده آنها شامل اعتبارات و یا به اصطلاح بانکی تسهیلاتی می‌باشد که یا در سیستم متداول جهان به قیمتی که نرخ بهره باشد به فروش می‌رسد یا در روش بانکداری بدون ربا از طریق قراردادهای مختلف در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد.

فرض کنید که یک بانک، چند نوع اعتبار عرضه نموده و انواع سپرده را می‌پذیرد. شکل تابع تولید چنین بنگاه مالی به طور ضمنی می‌تواند به صورت زیر باشد.

$$(1) F(L_1, \dots, L_n, D_1, \dots, D_n) = 0$$

در اینجا

$$L_j = \text{ستاده‌ها یا اعتبارات} \quad j = 1, \dots, m$$

$$D_k = \text{نهاده‌ها یا سپرده مردم} \quad k = 1, \dots, M$$

در این صورت معادله هزینه بانک را به شکل زیر معرفی می‌کنیم:

یک بانک، مشابه هر بنگاه تولیدی، هزینه نهاده‌ها را در پیش دارد. از آنجاکه نهاده اصلی بانک، سپرده مردم است، نخست هزینه سپرده‌ها را بر اساس قیمت آنها که می‌توانیم سود یا بهره بخوانیم محاسبه می‌نمائیم.

$$\text{هزینه سپرده‌ها} = i_k D_k$$

اگر هزینه فرصت سرمایه اولیه بانک را نیز با f و مقدار سرمایه اولیه را به I نشان دهیم، این

هزینه را نیز هرچند معمولاً نسبت به هزینه سپرده‌ها قابل توجه نیست، به صورت زیر نشان می‌دهیم.

$$f I = \text{هزینه فرصت سرمایه}$$

بخش دیگری از هزینه تولید بانکها شامل هزینه عملیاتی است که این هزینه را به صورت یک تابع از حجم سپرده‌ها و اعتبارات در نظر می‌گیریم:

$$C = C(L_j, D_k) = \text{هزینه‌های عملیاتی یا اجرایی}$$

به طوریکه

$$\frac{\partial C}{\partial L_j} > 0, \quad \frac{\partial C}{\partial D_k} > 0$$

$$\frac{\partial rC}{\partial L_j} < 0, \quad \frac{\partial rC}{\partial D_k} < 0$$

مجموع هزینه‌های فوق که برای یک بانک معرفی نمودیم مشابه هزینه نهاده‌ها و مجموع هزینه‌های تولید هر بنگاه تولیدی می‌باشد. بنگاه‌های تولیدی نهاده‌ها را خریداری نموده و مالک آن محسوب می‌شوند، هرچند که آنرا با قرض خریداری کرده باشند. اگر هم بنگاه بدهی داشته باشد صرفاً در تاریخ دقیق سررسید مسئول بدهی خود خواهد بود. در اینجا، اختلاف اساسی بین بانکها و مؤسسات تولیدی مطرح می‌شود.

سپرده مردم یا نهاده بانکها در هر زمان قابل ادعا است. در سیستم بانکی متداول جهان و سیستم بانکی بدون ربای کنونی، سپرده مردم، مشابه امانت است. در نتیجه، اگر مردم سپرده‌هائی را که بانک تبدیل به اعتبار نموده طلب نمایند، تبدیل اسناد اعتباری به نقدینگی و استرداد آن به سپرده‌گذار همراه با هزینه‌ای برای بانک خواهد بود.

بانکها در جهت اجتناب از تحمل مکرر چنین هزینه‌ای مبادرت به حفظ بخشی از دارایی خود به صورت نقد می‌نمایند. این بخش از دارایی که برای آنها کسب درآمد نمی‌کند، ذخیره بانکها را تشکیل می‌دهد. بانکها به صورتی مقدار ذخیره را تعیین می‌کنند که، با در نظر گرفتن هزینه فرصت ذخیره و هزینه تبدیل اعتبارات یا دارایی‌های کسب کننده درآمد به نقدینگی، بر اساس احتمال مراجعه و تبدیل سپرده به نقدینگی از سوی مردم، سود آنها حداکثر باشد.

با توجه به مطالب بالا، هزینه دیگری متوجه بانکها است که مشابه آن برای بنگاه‌ها وجود ندارد. این هزینه شامل زیان ناشی از نقد کردن اعتبارات است که به صورت اتفاقی رخ می‌دهد. اگر هزینه هر مبادله را با T نشان داده و فرض کنیم که T متوسط هزینه مبادله باشد، خواهیم داشت.

$$\text{هزینه مبادله} = T \times L$$

در اینجا T و L قبلاً تعریف شده و α نسبتی از اعتبارات است که در هر دوره قبل از موعد سررسید مبادله می‌شود. می‌توان α را نیز تابعی از ذخیره بانکها و احتمال مراجعه سپرده‌گذاران به صورت زیر در نظر گرفت:

$$\alpha = \alpha(R, \rho)$$

در اینجا R ذخیره بانکها است که قلمرو آن به صورت زیر تعیین می‌شود.

$$D \geq R \geq 0$$

برابری‌ها در رابطه بالا حد R هستند که نشان دهنده ذخیره صفر و ذخیره‌ای برابر حجم سپرده‌اند که در واقع عملکرد صندوق امانت را نشان می‌دهد.

ρ پارامتری احتمالی است که خالص سپرده‌گذاری و برداشت سپرده را در یک دوره نشان می‌دهد، و قلمرو آن به طور کلی برابر است با:

$$1 > \rho > -1$$

وقتی که $\rho = -1$ باشد، در دوره مورد نظر، فقط برداشت صورت گرفته است، و زمانی که $\rho = 1$ است که فقط سپرده‌گذاری شده باشد و برداشت یا تبدیل سپرده به نقدینگی صورت نگیرد. و $\rho = 0$ نشان دهنده تراز حساب سپرده‌ها است.

در رابطه $\alpha = \alpha(R, \rho)$ حد ρ را بین صفر و -1 قرار می‌دهیم.

$$0 > \rho > -1$$

یعنی

همچنین

$$\frac{\partial \alpha}{\partial R} < 0, \frac{\partial \alpha}{\partial \rho} < 0 \quad \text{یا} \quad \frac{\partial \alpha}{\partial |\rho|} > 0$$

حال می‌توانیم معادله هزینه بانک را به اختصار به صورت زیر نشان دهیم:

$$(2) E = \sum_k D_k + \Pi + C(L_k, D_k) + \alpha(R, \rho) TL$$

E کل هزینه تولید بانک می‌باشد.

از سوی دیگر بانک درآمدی دارد که این درآمد از محل فروش ستاده‌های آن یا عرضه اعتبارات حاصل می‌شود. اگر قیمت اعتبارات یا نرخ بازده یا بهره را روی انواع این اعتبارات با r_k نشان دهیم، خواهیم داشت:

$$TR = \sum r_k L_k$$

L_k را می‌توانیم از تابع ضمنی تولید (۱) به دست آوریم. رابطه L_k و D_k با توجه به انواع ترکیب نهاده و ستاده و مقدار پول آفرینی بانکها به دست می‌آید. ترکیب بهینه نهاده و ستاده‌ها و مقدار بهینه ذخیره نیز از حداکثر نمودن تابع سود حاصل می‌شود.

حال، تابع سود بانک را به صورت زیر تعریف می‌کنیم.

$$\Pi = TR - E$$

$$(۳) \pi = \left(\sum_{j=1}^n r_j L_j - \left(\sum_{k=1}^n i_k D_k + f I + C(L_i, D_k) + \alpha(R, \rho) TL \right) \right)$$

از آنجا که هدف این مقاله، بررسی رفتار اقتصادی بانکهای تجاری نیست، از این بحث فقط نتیجه چارچوب رفتاری بانک را مطرح می‌کنیم. بدیهی است که پس از تدارک جانشینی برای L_j در رابطه (۳)، تابع سود را به حداکثر می‌رسانیم. نتیجه شرایط اولیه، یعنی رابطه بهینه بین ذخیره، حجم سپرده‌ها و حجم ستاده است.

مدل ساده - به منظور ارائه بحثی مختصر در مورد شرایط عملکرد بانکها و تاثیر آن بر قیمت اعتبارات و یا حجم اعتبارات، مدل بالا را ساده‌تر می‌کنیم. ابتدا فرض می‌کنیم که فقط یک نوع سپرده و یک نوع اعتبار وجود دارد. همچنین تابع تولید اعتبارات را با تابعی از نوع خطی نشان می‌دهیم. هزینه اولیه سرمایه‌گذاری I را نیز نادیده می‌گیریم. در نتیجه داریم:

$$(۴) L = \beta D$$

در اینجا β پارامتر ثابت تولید است و تابع سود به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$(۵) \pi = rL - (iD + C(L, D) + T \alpha L)$$

حال اگر در تابع سود (معادله ۵)، هزینه عملیاتی و هزینه تبدیل اعتبارات را نادیده بگیریم.

$$\pi = rL - iD$$

و با جانشینی از تابع تولید (معادله ۴) و فرض شرایط رقابت کامل، نتایج زیر را می‌آید.

$$(۶) \pi = r\beta D - iD$$

$$\frac{d\pi}{dD} = r\beta - i = 0$$

$$(۷) r\beta = i \text{ یا } r = \frac{i}{\beta} \quad \text{شرط سود صفر}$$

رابطه غیرواقعی ولی ساده (۷) نشان می‌دهد که در صورت عدم مراجعه مردم برای دریافت سپرده‌ها و توان پول آفرینی β برابر برای بانکها، که گردش اعتبارات را بدون نیاز به نقد شدن نشان می‌دهد، قیمت ستاده‌ها $\frac{1}{\beta}$ قیمت نهاده‌ها خواهد بود. به عبارت دیگر بانکها می‌توانند قیمت بیشتری به سپرده‌گذاران بپردازند، ولی قیمت کمتری از متقاضیان اعتبارات دریافت نمایند.

کاملاً روشن است که شرایط بالا با واقعیت نمی‌تواند تطبیق کند، نه تنها هزینه‌های دیگر وجود داشته و لزوماً اعتبارات باید نقد شوند، بلکه اگر در تصور نیز چنین شرایطی می‌بود، مردم با درخواست اعتبار و سپس سپرده‌گذاری این وام مرتب سود کسب می‌نمودند.

در واقع، هزینه‌های دیگری نیز وجود دارند. اگر هزینه عملیات را در تابع هزینه کل اضافه کنیم

خواهیم داشت:

$$\pi = rL - iD - c(L \text{ و } D)$$

تابع سود شرایط اولیه، تحت بازار رقابتی، پس از جانشینی از تابع تولید (۴) برای L به صورت زیر خواهد بود:

$$(۸) \pi = r\beta D - iD - C(L, D)$$

$$\frac{d\pi}{dD} = r\beta - i - CD = 0$$

در اینجا $C_D = \frac{\delta C}{\delta D} > 0$ است. در نتیجه

$$r\beta = i + C_D \quad \text{یا} \quad r = \frac{1}{\beta} (i + C_D)$$

شرایط موجود در معادله (۹) دیگر نمی‌توانند ارزانتر بودن اعتبارات را نسبت به سپرده‌ها نشان دهند. اگر هزینه سرمایه‌گذاری اولیه را نیز اضافه نماییم، بیشتر قیمت اعتبارات یا ستاده را افزایش خواهد داد.

معرفی ریسک مراجعه مردم و لزوم نگهداری ذخیره در دو جهت تاثیر می‌گذارند: وجود ذخیره در سمت تولید و تابع درآمد اثر گذاشته و امکان بهره‌برداری از بخشی از دارایی بانکه‌ها را منتفی می‌نماید. به عبارت دیگر بانک بخشی از سپرده مردم را به صورت نقد نگهداری می‌کند و باقی مانده سپرده‌ها را با ضریبی تبدیل به اعتبارات می‌نماید. هرچند می‌توان وجود ذخیره را در ضریب β در معادله شماره (۴) نشان داد، ولی برای اینکه تصویر بهتری به دست آید، ذخیره را به طور مجزا در معادله فوق می‌آوریم:

$$(۱۰) L = \beta(D - R)$$

از طرفی R یا ذخیره بانکه‌ها به صورت نسبتی از حجم اعتبارات یا نسبتی از حجم سپرده‌ها نشان داده می‌شود. به هر دو شکل می‌توان تابع (۱۰) را تبدیل نمود. در زیر R را با نسبتی از حجم سپرده معرفی می‌کنیم.

$$R = \frac{1}{\gamma} D$$

در نتیجه

$$L = \beta(D - \frac{1}{\gamma} D) = \beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma} \right) D$$

هرچند که ذخیره را معرفی نمودیم، ولی هزینه فروش دارایی‌های کسب‌کننده درآمد (اعتبارات) بانک قبل از موعد نیز می‌تواند وجود داشته باشد. تابع سود به صورت زیر تغییر می‌کند.

$$(۱۱) \pi = r\beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma} \right) D - (iD + C(L, D)) = T \alpha (R, \rho) \beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma} \right) D$$

$$\frac{d7}{dD} = r\beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) - (i + C_D + T\alpha\beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right)) = 0$$

$$(12) r = \frac{\gamma}{\beta(\gamma - 1)} (i + C_D) + T\alpha$$

رابطه (۱۲) قیمت ستاده یا اعتبارات را در شرایط رقابت و سود صفر نشان می‌دهد. در اینجا دو

پیشنهاد یا دو فرضیه را در مورد عملکرد سیستم بانکی مطرح می‌کنیم:

معرفی ریسک برای سپرده‌گذاران: یکی از مواردی که گاهی مورد بحث قرار می‌گیرد، شریک کردن سپرده‌گذاران در ریسک تولید یا قراردادهای بانکی است. در نظریه‌های اقتصادی به خوبی اثبات شده است که معرفی ریسک و نااطمینانی، قیمت را کاهش داده و نرخ بهره را افزایش می‌دهد. یعنی اگر کالائی همراه با نااطمینانی از نظر کیفیت یا عملکرد باشد، مصرف‌کننده در قیمتی پایین‌تر از آنچه که در شرایط اطمینان، حاضر به پرداخت بود، متقاضی کالای ریسکی خواهد بود.

مردم به طور کلی دارایی‌های خود را به انواع صورتها می‌توانند نگهداری کنند، ممکن است به صورت پول نقد نگاه دارند، اوراق سهام یا اوراق قرضه خریداری کنند، دارایی خود را صرف سرمایه‌انسانی کنند، در بانکها سپرده‌گذاری نمایند، و... تصمیم مردم در این زمینه، یعنی تصمیم در اینکه به چه صورت یا صورتهایی دارایی‌های خود را حفظ نمایند به سه شاخص مربوط می‌شود، بازده دارایی‌ها، نقدینگی آنها و ریسک. بهترین دارایی آن است که بیشترین بازده، بالاترین نقدینگی و کمترین ریسک را داشته باشد.

چنین دارایی وجود ندارد. پول نقد بالاترین نقدینگی را دارد ولی بازده آن صفر است، هرچند که ریسک بسیار پایین نیز دارد. گفته می‌شود ثروت انسانی بیشترین بازده را دارد، ولی نقدینگی آن صفر است. عمولاً بازده سهام بالاست، در صورتی که همراه با ریسک است، و نقدینگی کامل هم ندارد. مردمی که بازده پایین‌تر سپرده را به بازده بالاتر سهام ترجیح می‌دهند، به علت ریسک کمتر سپرده‌گذاری از بانک است. حال اگر بازده سپرده‌ها را ریسکی و همراه با نااطمینانی نمائیم باید مردم انتظار نرخ سود بالاتری را داشته باشند تا به مقدار گذشته سپرده‌گذاری کنند. اگر مقدار اضافی لازم برای تشویق مردم به سپرده‌گذاری را باید نشان دهیم، قیمت نهاده برای بانکها به $I + \beta$ می‌رسد، در نتیجه تابع سود به صورت زیر خواهد بود.

$$(13) \pi = r\beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) D - ((I + \beta) + C(L, D) + T\alpha(R, \rho) \beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) D)$$

$$\frac{d\pi}{dD} = r\beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) - (i + \beta + C_D + T\alpha\beta \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right)) = 0$$

$$(۱۴) r = \frac{\gamma}{\beta(\gamma - 1)} (i + \pi + C_D) + T\alpha$$

رابطه ۱۴ کاملاً نشان می‌دهد که در صورت ریسکی شدن بازده سپرده‌ها، قیمت ستاده یا اعتبارات افزایش یافته یا حجم سپرده‌ها (منابع بانکی) برای تخصیص به اعتبارات کاهش می‌یابد. حذف امکان پول آفرینی بانکیها: فرض کنیم قرار باشد بانکیها فقط سپرده‌هایی را که دریافت می‌کنند وام داده و یا سرمایه‌گذاری نمایند، در این صورت ضریب تولید β برابر ۱ شده و تابع تولید (۴) به صورت زیر تبدیل می‌شود.

$$(۱۵) L = D$$

با در نظر گرفتن اینکه هنوز هم مردم در هر زمان بتوانند برای دریافت سپرده‌های خود مراجعه نمایند، بانکیها باید ذخیره R را نگهداری کنند، آنگاه تابع تولید (۱۵) به صورت زیر معرفی خواهد شد.

$$(۱۶) L = D - R$$

$$\text{یا } L = D - \frac{1}{\gamma} D = \left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) D$$

در این شرایط، در ساده‌ترین شکل تابع سود، قیمت اعتبارات بیشتر از قیمت سپرده‌ها خواهد بود. برای موردی که فقط هزینه سپرده مطرح باشد تابع سود به شکل زیر خواهد بود.

$$\pi = r\left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) D - iD$$

$$\frac{d\pi}{dD} = r\left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) - i = 0$$

$$(۱۷) r = \frac{\gamma}{\gamma - 1} i$$

از رابطه (۱۷) به خوبی روشن است که $r > i$ است.

اگر در رابطه (۱۳) مقدار β را برابر ۱ قرار دهیم قیمت ستاده یا اعتبارات در شرایط وجود هزینه‌های دیگر به دست خواهد آمد.

$$(۱۸) \pi = r\left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) D - ((i + \beta) + C(L, D) + T\alpha(R, \rho))\left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) D$$

و یک بار دیگر هزینه یا قیمت اعتبارات افزایش خواهد یافت. رابطه (۱۹) این مهم را به خوبی نشان می‌دهد. در صورتی که بانکیها فقط مجاز به استفاده از سپرده مردم باشند، قیمت اعتبارات و تسهیلات بانکی افزایش قابل توجهی خواهد داشت.

$$\frac{d\pi}{dD} = r\left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right) - (i + \beta + C_D + T\alpha\left(\frac{\gamma - 1}{\gamma}\right)) = 0$$

$$(۱۹) r = \frac{\gamma}{\gamma - 1} (i + \beta + C_D) + T\alpha$$

نتیجه گیری

در این مقاله دو مطلب یکی به طور صریح و دیگری به طور ضمنی مطرح شده است. توضیح آنکه بر اساس یک پیش فرضی در مورد رفتار بانکها که به دنبال کسب حداکثر سود هستند، نحوه عملکرد آنها در زمینه استفاده از منابع و اعطای تسهیلات مورد بررسی قرار گرفت و موضوع ضمنی در متن مقاله، همان پیش فرض و عملکرد خصوصی بانکها بود که در این بخش به آن اشاره گردید. سپس با عنایت به رفتار حداکثر کننده سود برای بانکها، به بحث در مورد هزینه تولید اعتبارات و استفاده از سپرده‌ها پرداختیم، در شرایطی که کارایی در رفتار بانکها به عنوان یک بنگاه اقتصادی وجود داشته باشد.

در جریان برداشت از یک مدل بسیار ساده، مساله معرفی امکان زیان در سپرده گذاری را برای مردم مطرح و به عبارت دیگر ریسک در سپرده گذاری را عنوان نمودیم. مشاهده شد که نتیجه چنین عملکردی، افزایش قیمت اعتبارات و/یا کاهش حجم اعتبارات یا تسهیلات خواهد بود. در ادامه این تحلیل، به حذف امکان پول آفرینی برای بانکهای تجاری اشاره کردیم. مشاهده شد که چنین دستور عملی نیز قیمت اعتبارات را افزایش داده و یا باعث کاهش حجم اعتبارات خواهد شد.

مطلبی که در آغاز مقاله به طور ضمنی مطرح شد مساله‌ای بسیار مهم در مجموعه سیستم پولی و بانکی یک جامعه به شمار می‌رود. گاه شنیده می‌شود که اقتصاددانان و صاحب‌نظران بانکی مجموعه سیستم بانکی را به عنوان قلب اقتصاد تلقی می‌نمایند. در واقع چنین تشبیهی کاملاً صحیح است. وظیفه قلب رسانیدن اکسیژن و مواد غذایی به اندازه‌های بدن است. هر وقت که بدن به فعالیت بیشتری می‌پردازد و نیازمند دریافت اکسیژن و مواد بیشتری است، قلب به سرعت نیاز بدن را رفع می‌کند. در مقابل زمان استراحت و خواب که نیاز بدن کم می‌شود قلب نیز حرکت خود را آهسته می‌نماید.

نکته اساسی در این است که قلب دستور خود را برای رسانیدن اکسیژن به بدن از درون و با اولین علایم شروع فعالیت یا توقف آن می‌گیرد، نه از بیرون. سیستم بانکی نیز باید مستقل عمل نموده و با اولین علامت رونق اقتصادی، امکانات اعطای اعتبارات را فراهم نموده و با شروع رکود و گرفتن پیام مربوطه از بازار سرمایه حجم اعتبارات و تسهیلات را کاهش دهد. بدیهی است چنانچه ما سلامت قلب خود را از بیرون کنترل کنیم سلامت نیستیم. سیستم بانکی نیز می‌تواند از بیرون به وسیله بانک مرکزی کنترل شود.

یک سیستم برنامه‌ریزی شده متمرکز برای اعطاء اعتبارات و تسهیلات نمی‌تواند بانظام بازار آزاد هماهنگی و تطبیق داشته باشد. چنین سیستم بانکی در یک نظام اقتصادی برنامه‌ریزی شده

متمرکز از نوع سیستم کشورهای سوسیالیستی سابق می تواند عمل نماید، که البته عدم کارایی مجموعه چنین سیستم برنامه ریزی متمرکزی دیگر بر کسی پنهان نیست.

در نتیجه فرض این مقاله برای عمل مستقل بانکها در جهت حداکثر نمودن سود خود ناشی از این برداشت می باشد که نمی توان سیستم بانکی یک نظام اقتصادی آزاد را به صورت برنامه ریزی شده و دستوری اداره نمود.

با ملاحظه بر این نکته که در هر دو صورت متمرکز و غیر متمرکز، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی در یک سیستم اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود، می توانیم به این نتیجه برسیم که در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود.

بنابراین در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود.

بنابراین در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود.

بنابراین در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود.

بنابراین در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود. در هر دو صورت، سود و زیان هر یک از واحدهای اقتصادی، به صورتی که در این مقاله به آن اشاره شد، تعیین می شود.